

اتحاد مردم

ارگان اتحاد مومکراتیک مردم ایران

در صفحات دیگر:

- شعر: خوش آن روزی که ...
- از: کارون توفانی
- ایران و جهان در هفته گذشته
- تحولات اجتماعی در جامعه روستائی ایران
- (قسمت دهم) هوشنگ پورکریم
- بافعالیتهای سند یکائی زحمتکشان ...
- ماتئوسیک تئوری کاذب در جنبش کارگری
- وکونیستی ترجمه ۱۰۰ پویا

بهبتر بیندیشیم

توطئه بزرگ بود، بازمینه چینی دقیق برای درهم کوبیدن انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی ایران، برای بازگرداندن ایران بهمدار وابستگی به امپریالیسم و سرمایه انحصاری مهرهای خود - فروخته‌ای در زنجیرهای هوائی و ارتش و یگرسا زمانهای کشوری که گرفته شد و به حرکت درآمدند. بالاترین نهاد های رهبری میبایست زیر ضربت قرار گیرند. خانه امام خمینی، مقر ریاست جمهور، مدرسه فیضیه قم، مرکز سپاه پاسداران و غیره میبایست بمباران شود و هر مقامی در خون و آتش غرق گردد، تا شاهپور بختیاری - این افیونی، این آمیزه عفن جاه طلبی و ناتوانی و خیره سری - در پایگاه سوم هوائی، پایگاه حشر، مستقر شود و دستگاه سیاسی و اداری کودتا سازمان دهد. خوابهای خوشی که تعبیری جز رسوائی و مرگ نمیتواند داشت. ای بسا آرزو که خاک شده است!

به قرار گفته آقای رئیس جمهور در مصاحبه پنجشنبه شب خود، این ششمین و بلکه هفتمین توطئه‌ای است که در چهار ماه گذشته کشف و خنثی میشود. هر بار هم تارهای توطئه را دست پلید آمریکا ست که می‌تند و اسرائیل و عراق، فراریان خیانت - پیشه مزدور، و نیز عوامل نهفته و آشکارا ضد انقلاب در داخل کشور مجریان توطئه‌اند. و جای شگفتی نیست: اتحاد طبیعی همه دشمنان ایران و انقلاب این حقیقتی است که یک لحظه هم نباید از یاد برد. همه قدرتهای سرمایه داری و همه کسانی که انقلاب در سستان را از غارت ثروتهای ایران کوتاه کرده است، همه نیروهای امپریالیستی - آمریکا، کشورهای اروپای باختری، ژاپن، کانادا و دیگران - که حسابهای باجگیری جنگی - سیاسی شان بقیه در صفحه ۸

امر مبارزه با تورم را جدی تلقی کنیم

د ر تمامی دوره رژیم شاه مخلوع اقتصاد ایران بیما بود و از تورم گاه خفیف و گاه شدید رنج میبرد. این بیماری در سال های آخر حکومت مورد بحث، بعلاوه آمد سرشار رفت و ورود پول اضافی به بازار، شدت گرفت و تورم میزان غیر قابل باوری بالغ گردید.

در ماههای بعد از انقلاب نرخ تورم باز هم افزایش یافت و این روند صعودی همچنان ادامه دارد، تا آنجا که مقامات مسئول مملکتی نرخ ۵۰ درصد را برای تورم موجود در ایران مورد قبول قرار دادند. مدتی پیش در همین ارتباط دبیرانجمن اقتصاد دانان ایران اعلام کرد که متوسط سالانه تورم از -

شهریور سال ۳۵۷ تا فروردین ماه سال ۱۳۵۹ رقم ۵۰ درصد بوده است، در حالیکه بعضی از صاحب نظران صحبت از وجود تورم رحد ۴۰ تا ۶۰ درصد در سال جاری کرده اند. در ماه های اخیر گرانی بحد غیر قابل تصور رسید و زندگی مردم زحمتکش سخت د شوار شد و است مردم با ر سنگین گرانی را برد و ش خود بخوبی احساس میکنند و درآمد اکثریت مردم کم مبلغ ناچیزی است نمیتواند جوابگوی هزینه زندگی باشد. افزایش هزینه زندگی بمرز خطرناکی رسیده است که اگر فوراً با آن مقابله نشود، مهار کردن آن در آینده خالی از - د شواری نخواهد بود. بقیه در صفحه ۸

اعلامیه جمعیت ایرانی هواداران صلح شکست دشمنان ملت و انقلاب

توطئه بزرگی که به همت مردان جانباز کمیته‌ها و سپاه پاسداران و پرسنل وفادار نیروی هوائی در ریایگاه نوزه کشف و خنثی شد، در ابعاد وسیعش هدفی جز محو استقلال کشور به سود امپریالیسم جهانی و صهیون - نیسمند است. این حرکت خائنانه که میتواندست به بهای خون د همها و صد ها هزار ایرانی بیگناه تمام شود، ضمناً این خطر را در برداشت که به یک جنگ داخلی تمام عیار و احیاناً به تجزیه کشور بینجامد.

"جمعیت ایرانی هواداران صلح شکست دشمنان ملت و انقلاب را به مردم مظهران ایران، به همه نیروهای اصیل انقلابی و به رهبر بزرگ و بنیاد گذار جمهور اسلامی ایران حضرت امام خمینی تبریک میگوید.



آموزش و پرورش ملی و تربیت متخصصین در الجزایر

فرهنگ الجزایر مانند فرهنگ سایر خلقهای آسیا - آفریقا ضریات سنگینی از جانب استعمار تحمل گردید. در ۱۹۶۲، ۸۴٪ الجزایری ها خواندن و نوشتن نمیدانستند. زبان عربی مورد تحقیق قرار میگرفت و حتی قدغن بود. اکثریت مردم جزایر فرانسه نمیدانستند. در سترسی به آموزش برای آنان مقدور نبود چون آموزش در تمام سطوح به زبان فرانسه انجام میگرفت. الجزایر در طول ۱۸ سال رشد مستقل توانست در نوزائی فرهنگ خود و ایجاد سیستم مدرن آموزش و پرورش و تربیت متخصصین پیشرفتهای چشمگیری نصیب خود سازد. جمهوری مکراتیک خلق الجزایر یکی از کشورهای معدود در راه رشد است که ۳۰٪ بودجه اش را به امر آموزش و پرورش اختصاص داد. است. بنا به تصویب دولت ۱۱٪ تولید ناخالص ملی (در ایالات متحده ۷٪) که یک مبلغ رکورد است صرف هد فهای مورد اش را میگردد. بقیه در صفحه ۵

م. ا. به آذین گواهی چشم و گوش

به دعوت سازمان همبستگی ملت های آفریقا و آسیا، راه کابل در ریش گرفتیم تا در جمع نمایندگان بیست و دو کشور چند روزی در رگوره انقلاب افغانستان سرکنم، و تاجائی که بتوان دید و شنید و ببورد، به حقیقت کار روزگار مردم آن سامان برسم.

باز پیرانه سرچه شوروشتابی در من است: انقلاب رهائیبخش ظلمت زد، در این سو و آن سوی مرز برادری ایران و افغان، دو همسایه، دو هم زبان و هم کیش، در کار بریدن از گدشتهای دردناک پنجه در پنجه دشمنان انقلاب از درون و بیرون، و به رغم هر چیزی و هر کسی، یار و هم پشت یکدیگر ۱۰ مایه دغدغه نبودم. نیش بر سرشانی در خاطر می خلید. در چه کارند و در چه کاریم؟ این د و انقلاب شکوهمند، این زمین لرزه های شگرف که کاخ قدرت - جهانخوازان آمریکا از آن شکاف برداشته است، آیا یکدیگر را در برادری بیگانه طبیعتی شان باز خواهند یافت؟ چه میشویم؟ آیا به راستی خط اسلام و کفر است که مرد مراد رگوه و دشمنان افغانستان از هم جدا میکند، یا خط استضعاف و استکبار، خط رنج و کار از یکسو، زور و ستم و غارتگری از سوی دیگر؟

باید بروم. زود تر باید بروم و ببینم. افسوس! خط مستقیم همیشه کوتاهترین راه نیست. در فضای بدگمانی و وحشت و دشمنی کور که دیووسه گرا امپریالیسم میکوشد تا میان ما پدید آورد، - و میدانم که نمیتواند! تا زمانی که خصلت ضد امپریالیستی این د و انقلاب برجاست، نمیتواند - بقیه در صفحه ۴

استعمار نو در استراتژی امپریالیسم معاصر

الف. مسعود قسمت دوم طبق گزارش "چیس مانهاتان بانک" در - پایان دهه ۱۹۶۰ و آغاز ۱۹۷۰ سرمایه گذاری ها در استخراج نفت و سایر شاخه های صنایع استخراج ۵۸٪ سرمایه گذاری های ایالات متحده را در کشورهای در راه رشد تشکیل می دادند. چنین نسبتی برای سرمایه گذاری های سرمایه های سایر کشورهای پیشرفته سرمایه داری نیز صدق می کند. بقیه در صفحه ۶

حجت الاسلام خلخالی روند انقلابی اگر مانند اول جریان داشت، هیچیک از دشمنان مانمی توانستند فعالیت کنند

شده
عصر روز هفدهم تیرماه ۵۹ در بزرگ زندان قصر به روی مردم، نمایندگان مجلس و مطبوعات برای بازدید از نمایشگاه مواد مخدر که در مسجد زندان ترتیب داده شد مورد گوشه: چنین گزارش میدهد: بقیه در صفحه ۲

با آنکه نام مقدس صلح با بیزاری از خونریزی و ویرانی توأم است، مصلح را تنها در آزاد ی و شرف انسانی و در سایه استقلال و احترام به حاکمیت ملی و تعامیت ارضی کشورها ممکن میدانیم. به همین سبب نیز جانبازی در راه حفظ استقلال و آزادی را وظیفه هر فرد و هر گروه و هر ملت میشماریم و میگوئیم که در سرکوب خائنان به میهن و مردم ما انقلاب جای هیچ تأمل نیست. کسانی که در راه خیانت گام بر میدارند و دستاورد های گرانبهای انقلاب ما را در ریای امپریالیسم غارتگر جنگ افروز قربانی میکنند باید با هشیاری و وقت شناسائی شوند و به سزای اعمال ننگین خود برسند.

ریشه کن کردن جرثومه های جنگ و براد رکشی خدمت به صلح است.

جمعیت ایرانی هواداران صلح ۱۳۵۹/۴/۲۱

بافتیهای سندیکایی زحمتکشان جهان آشنا شویم



طبقه کارگر

قسمت دوم

خصلت استثمار سرمایه داری کارگران در قلمرو تولید و غیر تولید تقریباً هم‌ارز است. دامنه و خصلت نیازهای نیروی کار در جامعه جدید نه تنها تولید کالاها بلکه همواره بیشتر خدماتی را پیش رو دارد که به موضوع عرضه و تقاضای تبدیل می‌شوند.

مارکس در تحلیل خصلت استثمار سرمایه داری کارکنان قدیم در قلمرو خدمات تاکید می‌نمود که این خدمات نه تنها ارزش استعمال بلکه ارزش مبادله هم دارند. البته خدمات کالا نیستند، زیرا کاری که برای آنها مصرف می‌شود غیر تولیدی است بنا به واقعیت، کار زیاد شده کالای سرمایه تولید نمی‌کند، بلکه مستقیماً ارزش مصرف تولید می‌کند. خدمات نه بشکل کالا، بلکه "صرفاً به شکل فعالیت" بفروش می‌رسند. این خصلت ویژه "تولید خدمات" که به عقیده مارکس نه تنها نیازهای واقعی یا غیر واقعی افراد بلکه نیازهای "را" که به (آنها) تحمیل شده (برآورد می‌سازند)، نمی‌تواند روی شعور طبقاتی کسانی که به این تولید می‌پردازند، اثر نگذارد. "به همین دلیل مفهوم "قلمرو خدمات" فی-نفسه وسیع است. این قلمرو زنان خدمتکار

رانندگان، روحانیون، فروشندگان، منشیان، دلالان، هنرپیشگان، کارکنان دفاتر قضائی، توریسم و غیره را در بر می‌گیرد.

گروه‌های معینی از مهندسان و تکنسین‌ها و همچنین کارمندان بنا بر موقعیت اقتصادی و اجتماعی و نقش‌شان در پیشرفت اجتماعی به طبقه کارگران نزدیک می‌شوند.

امروزه متماز شدن طبقه کارگر بطور اساسی معطوف به این دوگانگی است که می‌توان آنرا تحت عنوان "روشنفکر شدن" پرولتاریا و "پرولتاریزه شدن" روشنفکران توصیف نمود.

این روند ملموس‌ترین نتیجه انقلاب علمی و فنی و یکی از جدائی‌ناپذیرترین عناصر آن است.

بسیاری از دانشمندان که به مطالعه ساختار طبقه کارگر کشورهای پیشرفته سرمایه داری مشغولند، اعتراف می‌کنند که رشد نیروهای مولده خصلت کارگری را تغییر می‌دهد. بسیاری از جنبه‌های آن بیشتر به تنش سلسله‌عالی اعصاب و صرف انرژی عضلانی مربوط می‌شوند.

برخی هاقید دارند که مهندسان و تکنسینها از واحد جدید طبقه کارگر هستند.

محدود کردن کارگری به متخصص مزد بگیر به دلایلی که پیش از این از آن صحبت شد چیز نادرست و دشواری است. در سیه واحد عمده "پرولتاریا" مدرن فقط می‌توان به روشن نمودن وضع گروه‌های کم‌بیش ثابت پرداخت.

بنابراین وقتی صحبت از پرولتاریه یای صنعتی به میان می‌آید ما فقط با اشاره به خصلت قراردادی تقسیم‌یاد شده به روشن ساختن وضع و گروه‌های ساسی می‌پردازیم.

یکی گروه کارگران مولد ی‌ک‌ه اساساً به کارگری می‌پردازند و دیگری گروه کارگران مولد ی‌که عمدتاً به کارگری مشغولند.

هریک از این گروه‌ها را جداگانه بررسی می‌کنیم:

۱- کارگران مولد ی‌که کارشان اساساً فکری است - علاوه بر سه عنصر سنتی ماشینی

ها و سیستم‌های ماشینها، موتورها، مکا- نیسمهای انتقال نیرو و ماشینهای کار، انقلاب علمی و فنی چهارمین نوع آنرا که ماشین مدیر نام دارد بوجود آورد. ما ست که تنها به آزاد کردن انسان از فعالیت جسمانی مستقیم در موضوع کار محدود نمی‌شود، بلکه او را از مدیریت مستقیم بوسیله ماشینهای معمولی آزاد می‌سازد.

بنابراین، مقوله نزدیک ی‌که به موضوع کار برای این واحد طبقه کارگر یا آنچه نزد کارگر سنتی است، فرق دارد. از یکسو، این زحمتکشها جدید شخصاً روی موضوع کار اثر می‌گذرانند. اما از سوی دیگر، مستقیماً یا به دلیل گویا تربیتور جسمانی روی موضوع کار اثر می‌گذرانند. کار آنها بطور اساسی خصلت فکری دارد.

بر اساس این مقوله است که باید بهره‌ده بند ی‌کردن بخشی از مهندسان و نیز تکنسین‌ها - ماشینی‌پرداخت که "ماشین مدیریت را هدایت می‌کنند".

در حقیقت کارگران صاحب تخصص عالی چون مکانیسین‌ها، شمارگرها، تنظیم‌کنندگان دستگاه‌های الکترونیک، اپراتورها و غیره نیز به این رد مربوط می‌شوند.

باید یاد آور شد که انقلاب علمی و فنی موجب توسعه دائمی این گروه می‌شود. طبق آمار وزارت کار ایالات متحده آمریکا تعداد کارگران صاحب تخصص عالی که در ۱۹۶۰، ۸/۶ میلیون نفر بود، در ۱۹۷۵ به ۱۱/۴ میلیون نفر می‌رسد.

امکان پیدایش این واحد طبقه کارگر که نشانه‌ای از تولید مکانیزه است در موقع خود توسط مارکس پیش‌بینی شده بود. مارکس می‌گفت که بنظر می‌رسد که طبقه کارگر را این حالت به جای اینکه عامل اصلی تولید باشد "در رکن تولید" قرار می‌گیرد و در حقیقت نقش "ناظر و تنظیم‌کننده" تولید را بازی می‌کند.

۲- کارگران مولد ی‌که کارشان اساساً فکری است این گروه از کارگران نیز فزونی یافته اند. در ایالات متحده آمریکا از ۱۹۰۰ تا ۱۹۶۵ تعداد کارگران شاغل در کارهای

عمد تا در صنعت، ساختمان و حمل و نقل از ۱/۴ میلیون به ۲۶/۵ میلیون بالغ گردیده است. در عین حال سهم آنها در میان مزد بگیران از ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۵ از ۴۰٪ به ۳۶٪ کاهش یافته است.

این گروه از کارگران به نوبه خود به سه گروه کوچکتر تقسیم می‌شوند:

- ۱- کارگران صاحب تخصص عالی
- ۲- کارگران نیمه تخصص
- ۳- کارگران بی تخصص

آراء و عقاید مختلفی درباره آینده این گروه وجود دارد. برخی از پژوهشگران معتقدند که نباید به کاهش مطلق تعداد زحمتکشان پیدی باور داشت. برخی دیگر می‌گویند با گذشت زمان عدد این گروه مانند سهم آن در میان مزد بگیران، بر اساس خصلت شدیداً متحول تولید ناگهان کاهش خواهد یافت. با وجود اختلافی که میان این دو عقیده وجود دارد، هر دو آنها در صورتی ذی‌حق‌اند که تقسیم‌گروه مورد بحث را به‌گونه کوچکتر و نظرگیرند. پایه پای زمان ناگزیر کار غیر تخصصی کاملاً از بین خواهد رفت. این نوع کار در آینده هیچ تقاضایی نخواهد داشت. به عکس، گروه کارگران نیمه متخصص که برای اجرای فعالیت‌های ساده، یک‌شکل صرفاً مکانیکی به کارگمارده می‌شوند، روبه افزایش خواهد بود. نیروی کار نیمه متخصص در موسسات معمولی و اتوماتیزه تقاضای زیادی برخوردار است. اما این نیرو در زنجیره‌های اتوماتیزه تولیدات مبتنی بر مدیریت برنامه‌ریزی شده، خیلی کم مورد استفاده است.

کارگران صاحب تخصص عالی همواره مورد نیاز خواهند بود. وانگهی سطح تخصص آنها به موازات پیچیدگی‌تر شدن روند تولید رشد خواهد نمود. "روشنفکر شدن" طبقه کارگر می‌تواند کارگران مربوط به این گروه کوچک را به سطح پرولتاریا و روشنفکران امروز ارتقاء دهد.



بقیه: حجت الاسلام خلخالی: روند انقلابی

منظره طومارهایی که از بلندی مناره‌های مسجد آویخته بود حکایت از پشتیبانی وسیع مردم از ائمه اطهار و جسد سوزان حجت الاسلام خلخالی و گروه‌های ضریب وی مینمود.

انبوه مواد مخدر گرد آمد در نمایشگاه: تریاک، هروئین، شیره، حشیش، انواع سیگارهای خارجی، ابزار آلات مختلف استعمال این مواد و اسلحه‌های سرد و گرم، ضرورت و حقایق این مبارزه پیگیر را تا پدید مینمود.

حجت الاسلام خلخالی در محاصره خبرنگاران داخلی و خارجی از جمله اظهار داشت: "ما حدود سی تن اینجانب جنس داریم که تقریباً ۵۰۰ تا ۶۰۰ کیلو آن هروئین است و هر یک کیلویش اکنون در حدود ۴ تا ۵ میلیون تومان ارزش دارد. دولت جمهوری اسلامی آن روند انقلابی که در اول امر داشت اگر میرفت هیچیک از دشمنان ما نمیتوانستند فعالیت کنند. در اثر تساهل و تسامح اشتباهات و بعضی هاشان عمدی کار را بجائی رساندند که هم کشتار بیشتر شود و هم رد سر بیشتر شود... ما مبارزه را تشدید خواهیم کرد که اینک شورای انقلاب با این تصویب نامه اخیری که داشت مبارزه را تشدید میکند... و این بزرگترین پیروزی ما است" او در پاسخ یکی از پرسشها گفت:

ما فایده ما سوء قصد دارد، ولی ما سوء قصد نداریم. ما قصد داریم ما عاقلان را خودمان را انجام میدیم تاکنون هر چه کشته ایم از قاچاقچیان درجه یک بین المللی بودند. حجت الاسلام خلخالی درباره پیوند عناصر ضد انقلاب با قاچاقچیان اظهار داشت:

بعضی‌ها هستند از این ساواکی‌ها و ارتشی‌های اخراجی که وارد باند قاچاق شده و قاچاق فروشی میکنند و با باند بیسن-المللی در رضایه و آنکارا و ارض‌روم... و این جور جاها فعالیت کنند. ما با اعدای آنها که در خوی، رضایه و تبریز... انجام دادیم.



توانستیم این باند را متلاشی کنیم و ورود مواد مخدر را به اروپا تقریباً میتوان گفت، کند کرد. ما می‌پویا سد کردیم.

سپس آقای دکتر سید حسین فخر سرپرست ستاد مبارزه با اعتیاد، پیرامون بسیج نیروها و امکانات برای ترک اعتیاد گفت: "هرکاری احتیاج به یک مقدار نیروی مادی دارد. خوشبختانه دولت پیشنهاد ما را برای دادن ۵۰۰ میلیون تومان بودجه برای اقدامات درمانی پذیرفت و این بودجه با آئیننامه و منضمات امروز دیگر همه چیزش تصویب شد و ما امید داریم که بتوانیم در آینده ای نزدیک اقداماتی بسیار جامع و کامل برای درمان معتادان انجام میدیم و میتوانیم امیدواریم که نشاءالله تا این سال تمام بشود. مسئله اعتیاد هم ریشه‌کن بشود".

فرصت را مغتنم دیدم و از آقای انصاری نمایندنده مجلس و منشی

هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی درباره جاسوسهای آمریکایی پرسید که گفت: "گروگانها را سربك فرصت مناسب انشاءالله مطرح خواهیم کرد و تا آمریکا حاضر به دادن امتیاز نشود، محال است ما گروگانها را آزاد کنیم و اقل امتیاز سترداد شامل اموال شاه است و این حد اقل خواسته‌ای است که ما از آمریکا میخواهیم. در غیر این صورت من شخصاً به عنوان يك نماینده در مجلس نظر خواهم داد که اینها باید محاکمه شوند و طبق موازین شرع با آنها باید عمل شود..."

بقیه آموزش و پرورش

نفت، انستیتوی صنایع سبك (که هر دو آنها در بومسرد قرار دارند)، انستیتوی معدن شناسی و متالورژی (النیاء) سه کالج و بیش از ۲۰ مرکز تربیت حرفه‌ای نوجوانان که به کمک اتحاد شوروی بوجود آمده‌اند، تاکنون ۵۰۰۰۰ مهندس و تکنسین و بیش از ۸۰۰۰۰ کارگر تعلیم یافته تربیت کرده‌اند. یک همیاری دوجانبه بسیار وسیع در زاین زمینه پیش‌بینی شده است. هم-اکنون بیش از هزار معلم شوروی در موسسات آموزشی الجزایر مشغول کارند. رهبران الجزایر با اعتقاد به تجربه غنی و پربار کشورهای سوسیالیستی در امر آموزش و پرورش از برخی از اصول آن با توجه به ویژگی‌های ملی الجزایر سود می‌جویند.

توجه!

شماره‌های گذشته "اتحاد مردم" در دفتر هفته نامه "اتحاد مردم" موجود می‌باشد.

هوشنگ پورکریم

تحولات اجتماعی در جامعه روستائی ایران

از آغاز تا کنون (۱۰)

ادامه قسمت چهارم :

جامعه روستائی از عهد دولت های ماد و پارس تا انقراض ساسانیان



اینک که شمای از وضعیت عمومی جامعه روستائی ایران در عهد دولت ساسانی توصیف شد، باید با شرح و بسط بیشتری به موقعیت طبقات اجتماعی در آن جامعه پرداخت و زمینه را برای بررسی روابط تولیدی آماده ساخت.

در عهد دولت ساسانی، زحمتکشان جامعه روستائی را که در انواع رشته های زراعی و دامپروری مستقیماً به کار میبرد اختند "واستریه" یا "واستریوش" و به صورت جمع "واستریوشان" مینامیدند (۱). این واژه بعد ها بوسیله تاریخ نگاران عهد اسلامی نظیر "طبری" و "بلعمی" و "مسعودی" ضمن تدوین وقایع عهد ساسانیان به کار آمد. مثلاً "بلعمی" در وصف پادشاهی "بهرام گورین یزدجرد"، از دومین فرزند "مهرنرسی" یاد میکند که بهرام دیوان خراج همه مملکت را به او داد و اضافه میکند که:

«... نام مرتبه او به پارسی و استریوشان سالار بود» (۲)

شاد روان "محمد تقی بهار" (ملک الشعراء) که تاریخ بلعمی را تصحیح کرده، اصطلاح "واستریوشان سالار" را در حاشیه توضیح داده و ضمن آن نوشته است که:

«... و استریوشان در طبقه بندی ساسانی نام زراعت پیشگان بود و طبقه سوم و توده مردم را به این نام میخواندند» (۳)

استنباط "آرتور کریستن سن" هم از موقعیت "واستریوشان" یا بنا به قول ایشان "واستریوشیون" در تقسیمات اجتماعی عهد دولت ساسانی با استنباط "بهار" کم و بیش یکسان است. "کریستن سن"، با استناد به "اوستا" و "نامه تنسری" به گشسپ و کتیبه های باقیمانده از عهد ساسانیان، در این باره نوشته است:

"در مملکت جدید (به لحاظ مقایسه عهد دولت ساسانی نسبت به عهد قدیم) یعنی دولت اشکانی... ه. پ. تقسیمات اجتماعی مبنی بر کتب مقدسه است منتهی با بعضی تغییرات. اساساً سه یا چهار طبقه نام برده شده است. در اوستا تنها یک یا چهار طبقه آتیهمذکورند: اول طبقه روحانیان (آشروان)، دوم طبقه لشگریان (رتیشیون)، سوم طبقه کشاورزان (واستریوشیون)، چهارم طبقه پیشموران (هویتی). از این گذشته یگرد و صنف اخیر در تحت یک عنوان در آمده طبقه سوم را تشکیل داده و استریوشیون خوانده میشوند.

در ادبیات دینی پهلوی تقسیم قدم به چهار طبقه محفوظ مانده لیکن در عالم خارج تقسیم به چهار طبقه از نوع دیگری پدید آمد. مبدود بدین طور که کتاب به منزله طبقه سوم شمرده شده و برزبگاران و پیشموران با هم در تحت عنوان طبقه چهارم رآمد هاند. چو تقسیم هیئت اجتماعی بر این گونه با اوضاع سیاسی وفق یافته بود چهار طبقه بزرگ آتی در زمان ساسانیان بوجود آمد: اول اصحاب دین (آشروان)، دوم مقاتله یعنی مردان کارزار (ارتیشاران)، سوم کتاب و اهل قلم (دویوران)، چهارم عامه و مهنه (واستریوشان) یعنی چوپانان و برزگران بضمیمه

هتخشان یعنی محترقه یا شهریان (۴)

در باره واژه "مهنه" که اساساً در ترجمه "نامه تنسری" از زبان پهلوی به عربی و فارسی بکار رفته، "مجتبی مینوی" نوشته است:

"مهنه: جمع ماهن و ماهن به معنی خادم است. در اینجا مهنه به معنی کسبه خرد و صاحبان مشاغلی که روی هم طبقه تولید کنند را تشکیل میدهند و در آن روزگار به طبقه عامه و مهنه و استریوشان می گفتند یعنی چوپانان و برزگران به ضمیمه هتخشان... (۵)

با همه این اقوال، شبهه ای باقی نیست که در عهد دولت ساسانی طبقه اجتماعی "واستریوشان" شامل کلیه تولید کنندگان رشته های زراعی و دامپروری بود. گروه های منسوب به این طبقه، با وجودی که مستقیماً با وسائل تولید کشا و ورزی - یعنی با مجموعه آن الزامات مادی که بدون آنها تولید در رشته های گوناگون کشا و ورزی تحقق نمی پذیرد - سروکار داشتند، ولی فاقد مالکیت بر وسائل تولید بودند. زیرا گذشتیم ز قبلی روستا های دوردست که هنوز در آنها مالکیت عمومی و نظام دودمانی کم و بیش وادداشت، مالکیت بر وسائل عمدتاً تولید اعم از زرع ها و مراتع و باغات و آب زراعی وقتها و غیره در دست "دیگانان" یا "دهگانان" (دهقانان)، "وزرگران" (برزگان)، "آزاتان" (اشراف)، حکام و خاندانهای منسوب به دربار سلطنتی و سرانجام در مملکت "دیوان" و دولت حامی آنان بود. در این حال برای مالکیت "واستریوشان" بر وسائل تولید نمیتوانست جائی باقی بماند. مگر در برخی روستاها که این یا آن گروه از "واستریوشان" ابزار کار زراعی نظیر خیش و بیل و داس و خرمنکوب را از خود داشتند و با آنها در مزارع و باغاتی که به آنان تعلق نداشت کار میکردند. ولی حتی با اینحال هم، همانطور که در سالهای اخیر نیز در روابط بین "رعیت" و "ارباب" دیده شده است، مالکیت بر عمدترین بخش از وسائل تولید کشا و ورزی یعنی زمین زراعی و آب و تأثیر و نقش تعیین کننده خود را چنانکه از آن صحبت خواهد شد بر روابط تولید باقی میگذاشت.

گذشته از "واستریوشان"، طبقه اجتماعی دیگری که باید برای جامعه روستائی عهد دولت ساسانی شناخت، طبقه "دیگانان" یا "دهگانان" است. واژه "دیگان" که بعد ها بصورت "دیگان" مرکب از ده و گان (پسوند نسبت) که بعد ها بصورت معرب "دهقان" و در حالت جمع بصورت "دهاقین" در متون دوره اسلامی در ایران با معانی و تعابیر گوناگون بکار آمده است، در عهد ساسانی به معنی اصلی خود یعنی مالک یا صاحب ده بکار میآمد. به وضوح پدید است که معانی فرعی این واژه نظیر برزگر و باغبان، ایرانی در مقابل غیر ایرانی، زرتشتی، موزخ و ناقل روایات و سنن ایرانی، حضری و تخته قاپوشده در مقابل کوچنده و بیادیه نشین، و چند معنی فرعی دیگر جعلگی از معنی اولیه و اصلی اش اخذ شده اند. این معنی اصلی، قبل از آنکه بکلی منسوخ شود، به گواهی متون تاریخی، تا نخستین سده های دوره اسلامی در ایران به موازات معانی فرعی به کار میآمد. از جمله در "چهار مقاله" عروضی، که حدود سال ۵۵۰ هجری قمری تألیف شده، ضمن شرح حال "فرخی" آمده است:

"فرخی از سیستان بود پسر جولوغ و غلام میر خلف بانو، طبعی بغایت نیکو داشت و شعر خوش گفتی، و جنگ ترزدی و خد مت دهقانی کردی از دهاقین سیستان، و این دهقان او را هر سال ده بیست کیل پنج منی غله دادی و صد درم سیم نوحی، او را تعام بودی، اما زنی خواست هم از موالی خلف، و خرجش بیشتر افتاد و دتّه وز نیبیل درافزود. فرخی بی برگ ماند، و در

سیستان کسی دیگر نبود مگر امراء ایشان. فرخی قصه به دهقان بر داشت که "مرا خرج بیشتر شد ما ست، چه شود که دهقان از آنجا که کرم اوست غله من سیصد کیل کند و سیم صد و پنجاه درم، تا مگر با خرج من برابر شود؟" دهقان بر پشت قصه توقیح کرد که "اینقدر از تو در ریخ نیست و افزون ازین را روی نیست." فرخی چون بشنید مایوس گشت... (۶)

و باز در جای دیگر از "چهار مقاله": "استاد ابوالقاسم فردوسی از دهاقین طوس بود، از دیه که آن دیه را با خوانند و از ناحیت طبران است، بزرگ دیه ای است، و از وی هزار مرد بیرون آید، فردوسی در آن دیه شوکتی تعام داشت چنانکه به دخل آن ضیاع از امثال خود بی نیاز بود... (۷)

از این عبارات بخوبی پیداست که در عصر "فرخی" و "فردوسی"، یعنی سیصد سال بعد از انقراض دولت ساسانی هنوز هم دهقانان "یا" دهاقین "به مثابه طبقه ای مشتمل بر ملاکان ارضی در جامعه روستائی ایران وجود داشتند، هر چند که در آنوقت املاک خود را در قبایل ملاکان تیولدار میدادند. با وجود این حتی در قرن هفتم هجری، "شیخ نجم الدین رازی" (متوفی ۶۵۴ هجری قمری)، از ملاکان ارضی با عنوان "روسا و دهاقین" نام میبرد که:

"... مال و ملک دارند و محتاج مزارعان و شاگردان و معاشران و مزدوران باشند تا از بهر آنها به زراعت و عمارت مشغول باشند... (۸)

در عین حال، بنا به عقیده "کریستن سن"، وضعی را که "دهقانان" در زمان ساسانیان داشتند عیناً نظیر وضعی نبود که ملاکان بزرگ از اشراف طراز اول آن عهد داشتند. بنا به این عقیده، "دهقانان" را باید در زمره اشراف درجه دوم دانست که اداره محل خویش را در عهد داشتند و این مقام غالباً به صورت میراث به اولاد ایشان انتقال مییافت: وظیفه عمدتاً دیهگانان جمع خراج بوده و این مخصوصاً به سبب معرفت ایشان به حال مملکت و مردمان است تا بی آنکه مردم در زمانند و گرانبار شوند از مملکتی که عموماً بسیار کم حاصل است بتوانند مخارج تکلفات دربار و جنگهای پرخرج را در آورند و پس از فتح عرب نیز فاتحین با وجودی که ایران را بدان وضع خشن و بیبیمی غضب و تهنیب کردند نتوانستند بر ایرانیان هیچ مبلغ پولی بر سبیل مالیات تحمیل کنند مگر اینکه باد دهقانان بیعمان

یادداشت ها:

- ۱- مراجعه شود به پور او د: "یادداشت های گاتها"، به کوشش بهرام فروشی، از انتشارات انجمن ایرانشناسی، تهران ۱۳۳۶، صفحه ۱۱۳ و نیز به "یشت ها"، از کتابخانه طهوری، جلد دوم، صفحه ۳۳۱
- ۲- تاریخ بلعمی، به تصحیح م. ت. بهار، به کوشش محمد پروین گنابادی، از انتشارات کتابفروشی زوار، جلد دوم صفحه ۹۴۸
- ۳- بهار: همان منبع، همان صفحه
- ۴- کریستن سن: "وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان"، ترجمه و تحریر مجتبی مینوی، از نشریات کیسیون معارف مطبوعه مجلس، تهران، ۱۳۱۴، صفحات ۲۵ و ۲۶
- ۵- م. مینوی: "نامه تنسریه گشسپ"، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۴، صفحه ۱۴۴
- ۶- نظامی عروضی سمرقندی: "چهار مقاله"، به سعی و تصحیح محمد قزوینی، به اهتمام دکتر محمد معین، از انتشارات ابن سینا، تهران، ۱۳۴۸، صفحه ۵۸
- ۷- همان منبع، صفحه ۷۵
- ۸- نجم الدین رازی: "مرصاد العباد من العباد الی المعاد"، به سعی و اهتمام حسین الحسینی النعمه اللهی ملقب به شمس العرفاء، مطبوعه مجلس، تهران، ۱۳۱۲، صفحه ۲۹۴
- ۹- کریستن سن: "... ساسانیان"، ترجمه و تحریر مجتبی مینوی، از نشریات کیسیون معارف، مطبوعه مجلس، تهران، ۱۳۱۴، صفحات ۶۶ و ۶۷

بقیه: گواهی چشم و...

راه تهران به کابل ناچار از زمین و برلن میگذرد. لقمه‌ای که باید از پس گردن به دهان برد، باک نیست.

چهار ریه هوا بی‌معاوض کردم و در آغاز سومین روز، در رگرمای ۴۰ درجه و آفتاب بی پروای تیرماه باد یگران در فرودگاه کابل پیاده شدم. همه چیزهای است، به پیشوا آمدند. خوش آمد میگویند و راهنمایی میکنند. با اینهمه، جای سربازان و نوجوانان مسلح مراقبتند. پیش از نشستن بر زمین نیز، هوا بی‌معاوض و هلیکوپترهای نظامی شوروی را در حاشیه‌های خاکی فرودگاه دیدم. با انبوه کامیونهای نقره‌چند تانک، حضور در آرامش و نظم، درست برای آنکه بدانند که هست و جای شوخی نیست.

راه از فرودگاه تا محل اقامت مان به سادگی پیموه میشود. هیچ محافظی پیشاپیش یا پشت سرمان نیست. زندگی آرامی - تشویش جریانی دارد. منظره شهر، خاک گرفته و آفتاب خورده به چشم آشناست. قزوین بیست سال پیش خود مان، با ابعاد و گستردگی تر، دکانها و مغازه‌ها با زاست، مردم در رفت و آمدند. کسب و اتوبوس و تrolley بوس تند و بی احتیاط میگذرند. جای خوری برد با روخویشتن دارد. با باری از میوه و سبزی بر پشت ایستاده چرت میزند و در کنارش فروشنده در وره گردی با عمامه زولید مویر - حجم افغانی و شلوار ریلند و فراخ و چین در چین سقید خریداران را راه میاندازد. جمعیت در مرکز شهر انبوه‌تر است. چهره‌ها غالباً تیره، نگاهها تیز و فروزان. زنان بیشتر با چادری رنگین دیده میشوند که سرپاییشان را میپوشاند و تنها توری ریز بافتی راه را بر دید چشمان باز میگذارد. برخی نیز پیراهن و دامن پوشیده‌اند و حجاب ندارند. تک و تک حتی دخترانی را در ریلوز و شلوار می توان دید.

به اقامتگاه میرسیم. جایجا میسویم و دست و روئی میسویم. سخت گرسنه‌ام. تا آنها را آمد ه شود، باد وستان افغانی جای سبزی میسویم و گپ میزنیم. گفتنی بسیار دارند، از جنایات زمان امین و ما پرسیدنی فراوان. اما فرصت گفتگوبه تفصیل نیست. ما را به سر میز میخوانند.

پس از نهار، به اتاق خود میروم و کمی دراز می‌کشم. خسته‌ام. اما خواب نیست. کرخ گشتگی غریب‌تر از های در زمزمه و لرم و مرطوب گولر. بر میخیزم و ریش میتراشم، رخت عوض می‌کنم. برنامه امروز جلسه گشایش کنفرانس همبستگی در مهمانخانه انترکنتینانتال را تا تهیه‌های بیرون شهر که مهمانخانه بر آن بنا شده است و دید زیبائی برق‌مستی از شهر دارد و در راست گردشی سواره و عبور از برابری راه‌های ساختمانهای دیدنی. اینجاست دانشگاه کابل است. این دانشگاه پزشکی، و این یک دانشگاه حقوقی. کمی دورتر پلی تکنیک. اینهمه زیارتگاه شاه و دشمنشیره و کوه سخی. و چه گویا است این لقب شاه و دشمنشیره برای مولای متقیان، علی ابن ابیطالب و بد نیست بدانید که سخی هم لقب دیگر آن حضرت است.

سالن مهمانخانه انترکنتینانتال، در طبقه همکف، نیم ساعت

مائوئیسم یک تئوری کاذب در جنبش کارگری ن تراند افیلوف ترجمه: اپویا

خصلت ضد سوسیالیستی نظریه انقلاب مداوم در شرایط دیکتاتوری پرولتاریا در رگزارشی که پیش از کنگره یازدهم حزب کمونیست چین تدوین شد، خاطر نشان میشود که تئوری "ادامه انقلاب در شرایط دیکتاتوری پرولتاریا" سهم بزرگ صد مائوتسده و دن در تکامل مائوئیسم است. (۱)

از دیدگاه مائوئیسم، تضاد های آنتاگونیستی که بصورت و راه‌های میان پرولتاریا و عناصر نوخاسته بورژوازی بروز میکند زمینه اجتماعی عینی ادامه انقلاب در شرایط سوسیالیسم و تا مرحله گذار به کمونیسم میباشد.

مائوئیسم مفهوم مائوئیسم - لنینیستی مرحله اول جامعه نوین - سوسیالیسم - را تحریف میکند، این مرحله را با دوره گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم یکی می‌انگارد. از همین رو از دیدگاه مائوئیسم مرحله اخیر تا دور گذار به کمونیسم به دراز می‌کشد. این دیدگاه در واقع، تفاوت کیفی میان سوسیالیسم و دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم قائل نیست. در یک سلسله مقالات و جزوات مائوئیستی خصلت انتقالی جامعه سوسیالیستی خاطر نشان شده، و تصور مائوئیستی وجود طبقات متخاصم در جامعه سوسیالیستی - یعنی پرولتاریا و بورژوازی و مبارزه طبقاتی حاد میان آنها، تشریح گردیده است.

گذشته از چهار، هیئت رئیسه کنفرانس می‌آیند و در جای خود می‌نشینند. دکتر مجاور احمد زیار، عضو آکادمی علوم افغانستان آغاز سخن میکند. به زبان پشتو با ترجمه به دري وانگلیسی و فرانسه پس از او یارن ری، نایب رئیس هندی سازمان همبستگی ملت‌های آفریقا و آسیا، درباره انقلاب افغانستان و کمک نظامی اتحاد شوروی و موج تبلیغات مخالفی که در این باره به راه انداخته اند سخن میگوید و اعلام میکند که قصد ما از آمدن، دانستن حقیقت اوضاع افغانستان است و بازگفتن آن به جهانیان. آنگاه سلطان علی کشتمند، معاون صدراعظم و وزیر پلان‌گذاری (برنامه ریزی) که عضو فترسیاسی کمیته مرکزی حزب و معاون شورای انقلابی نیز هست، به سخن بر می‌خیزد و آرام و شمرده، به شرح اوضاع افغانستان پس از هفتم ژوئیه (اردیبهشت ۵۷) و مرحله دوم انقلاب در ششم جدی (دیماه ۵۸) می‌پردازد.

کشتمند مردی است در حوالی ۴۰ سالگی، بلند بالا و کمی تنومند با چهره‌ای پهن و گند مگون، تا اندازهای مایل به زردی. از قبیله شیعی مذہب هزاره که در اصل از تیره‌های مغولند اما به زبان دری سخن میگویند. او نکته‌ای را که مقامات رسمی افغان با رها گفته و تکرار کرد مانند یاد آوری میکند که سربازان اتحاد شوروی طبق ماده چهار قرار داد دوستی و کشور به درخواست دولت افغانستان در رقیاسی محدود و تنها برای کمک به مقابله با هجوم ضد انقلاب آمدند، و همچنین رخنه‌گری مسلحانه شورشیان مزد و امپریالیسم زانوسی مرزها با تضمین معتبر بین المللی پایان پذیرد. دیگر موجهی برای ماندن نیروهای نظامی شوروی نخواهد بود و آنها خاک افغانستان را ترک خواهند گفت. او تأکید میکند که آمریکا و متحدانش با همدستی چین می‌کوشند تا با مسلح کردن در اردو سته فتودالها و زمینداران و موقوفه‌خواران روابط افغانستان انقلابی را با همسایگانش بویژه پاکستان و ایران، تیره سازند و کانون تشنجی در این گوشه از جهان بوجود آورند که به آنها امکان دهد مواضع خود را با خاطری آسوده در خلیج فارس و اقیانوس هند برای مداخله در ایران و کشورهای عربی تحکیم کنند و همچنان به غارت منابع نفت خاور میانه ادامه دهند.

جلسه گشایش کنفرانس پایان می‌پذیرد. با میزبانان افغانی به اقامتگاه خود بر میگردیم. پیش از شام فرصتی برای گفتگویی خصوصی تر هست. آنچه می‌شنوم این است:

"رویه‌رفته اکنون دولت انقلابی ما بر سر اسر کشور مسلط است. مردم بطور عمد به زندگی عادی برگشته‌اند. تبلیغات ضد انقلاب - که خونریزیها و افراط کاری‌های تحریک آمیز دوران حفیظ اللہ امین بدان میدان میداد در یگر بردی ندارد. مردم امنیت میخواهند و میبایند از روستاها و شهرهای کوچک دور افتاده می‌آیند و سلاح بر زمین میگذارند. خواست شان در رمز آکره با مقامات رسمی به سه چیز خلاصه میشود:

- کسانی که در زمان امین برادران ما را به نام حزب کشتند به تسلیم شوند تا انتقام بگیریم.
- امنیت مادد برابر اشرار تأمین شود.

کارل مارکس در نقد برنامه گوتا "و و ای" لنین در انقلاب پرولتری و کائوتسکی مرتد "خط فاصل روشنی میان دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم و سوسیالیسم به مثابه مرحله اول جامعه نوین کشیدند.

در حالیکه در دوره گذار سرمایه‌داری به سوسیالیسم پایه و روستا ساخت سرمایه‌داری بطور کامل نابود میشود، و مالکان خرد و پیشه‌وران در تعارض و نپها گرد می‌آیند. در مرحله سوسیالیسم، که بورژوازی دیگر به مثابه یک طبقه وجود ندارد، جامعه سوسیالیستی پیشرفته بنا میشود. انقلاب سوسیالیستی، در مفهوم وسیع کلمه در دوران گذار سرمایه‌داری به سوسیالیسم انجام میگیرد و تا مرحله سوسیالیسم ادامه پیدا نمی‌کند.

تمام آنچه گفته شد نشان میدهد که جامعه سوسیالیستی یک دوره انتقالی، که در آن، بنا به ادعای مائوئیستها، مبارزه طبقاتی حاد هنوز میان راه رشد سرمایه‌داری و راه رشد سوسیالیستی ادامه داشته باشد، نبود و نمیتواند باشد.

مائوتسه دون برای منهدم کردن حزب و ایجاد یک حزب مائوئیستی به جای آن، و برای منقاد کردن تمام سازمانهای اجتماعی و تصفیه ارتش و دستگاه دولت از عناصر "مخالف"، مشی ادامه انقلاب در شرایط دیکتاتوری پرولتاریا را مطرح کرد. این مشی در سازماندهی یورشهای ایدئولوژیک و سیاسی در راهی، هر ۴-۵ سال یکبار، برای سرکوب عناصر مخالف، معرفی آنها به عنوان افراد هوادار سرمایه‌داری، "خائن"، "ضد انقلابی" و غیره رخ مینماید.

مائوتسه دون در فوریه ۱۹۴۲ با سوءاستفاد از قدرت خود و اوضاع نامساعد جهانی، یورش برای به اصطلاح "اصلاح سبک" (سبک حزب، سبک آموزش و پرورش و سبک ادبی) را بر راه

زبانهای که از ویرانی خانه‌ها و سوختن خرمنها بهما وارد شد ما ست جبران گرد.

"شورشیان فریب خورده و گروه مزد وران راهزن پیش از این در دستهای پانزده بیست نفره به روستاها و آبادیها هجوم می‌آوردند و خانه‌ها، مدرسه‌ها، بیمارستانها و ادارات دولتی را آتش میزدند و هر کسی را که به دفاع از جان و مال خود بر میخواست می‌کشتند یا اینهمه، به مقر حزب یا پادگانهای نظامی که نگهبانان - شان با آتش گلوله پاسخ میدادند حمله نمیکردند. اکنون آنها زمینه را در داخل افغانستان تا حد زیادی از دست دادند. ضعیف شده‌اند و دیگر در دستهای متشکل عمل نمیکند. به صورت فردی، یا حد اکثر سه نفره، رخنه میکنند و کادرهای حزبی و ارتشی یا دولتی را غافلگیر میکنند و در می‌روند. می‌پرسم: "به گمان شما، چه کشانی به آنها می‌پیوندند و برای چه؟"

"پیش از این، در زمان امین موجبات ناراضی بسیار بود. زندان، مصادره خانه و مال و زمین، کشتاری بهانه، و آن پرچم سرخ و آن رنگ سرخ که از رود یوار میبارید. حالا، از این همه دیگر خبری نیست. پرچم ملی ما همان سبزی و سیاه مویس سرخ همیشه است، با آرم تازه که دیده‌اید. چه قدر همین پرچم در تسکین مردم و بازگشتشان به سوی انقلاب تأثیر داشته است. حالا اگر گناه کسانی که شورشیان بپیوندند، بیشتر از آن روست که در نقاط دور افتاده و بیرون از حیطه محافظت ما هستند. می‌آیند و با تهدید به کشتن و سوزاندن مردم را مجبور به رفتن میکنند. به آن سوی مرز، در پاکستان و ..."

زبانش به گفتن نمی‌گردد. من هم بهتر میدانم که نشنوم. موضوع دیگری پیش می‌گشتم:

"دو سه روز پیش گویا آقایان دستور اعتصاب عمومی دادند چگونه گذشت؟"

"برخلاف آن بار که دامنه اعتصاب وسعت داشت و کار حتی به تیزاندازی از سوی ضد انقلاب کشید، این بار تنها در مرکز کابل معازده‌اران صاحب سرمایه که از تهدیدهای تخریب و آتش سوزی و کشتار به هراس افتادند بودند تا نزد یک ظهیرنگاهای خود را بستند، و چون دیده‌اند و خبر یافتند که در دیگر نقاط پخت و شهرهای دیگر همه جا با زاست و آب از آب تکان نمی‌خورند، آنها هم باز کردند."

"مخالفان عقیدتی انقلاب چه کسانی هستند؟"

"بیشتر مائوئیست‌ها و اخوان المسلمین اند که دست در دست یکدیگر دارند و بطور عمد از مرز غربی ما به داخل نفوذ میکنند. "از ناحیه هرات؟"

"نه چند ان، پاکسازی در آنجا خوب پیش میرود. بیشتر از ناحیه هلمند است ..."

گفت و گوگل انداخته است و هنوز میتواند به شیرینی ادامه یابد. ولی ما را به شام میخوانند.

انداخت هدف ما تا از این یورش که با سرکوبی مخالفین همراه بود جایگزین کرد مائوئیسم به جای لنینیسم و قبض قدرت بطور کامل در کمیته مرکزی و کل حزب بود. این یورش سه سال بعد همزمان با برگزاری کنگره هفتم حزب کمونیست چین (۱۹۴۵) پایان یافت. این یورش را میتوان یک تعریف مناسب برای "انقلاب فرهنگی" بشمار آورد.

بزرگترین این یورشهای ایدئولوژیک و سیاسی از لحاظ دامنه مقیاس، اهداف و واکنشها، تحت پوشش نام پرطباطرانی انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی (۱۹۶۹ - ۱۹۶۶) انجام گرفت. حال آنکه در واقع این یک کودتای ضد انقلابی بود، که در نتیجه آن رهبری سازمانهای حزبی، سازمان جوانان، اتحادیه‌های کارگری دانشگاهها و غیره، نابود شدند.

چنانکه از اطلاعات ناقص موجود بر میآید، در دوره انقلاب فرهنگی بیشتر از ۵ میلیون نفر تحت فشار روئید قرار گرفتند. مائوتسه دون و یارانش سخت ترین ضربات را بر اکثریت کادرهای رهبری و اعضا حزب کمونیست چین و سازمانهای توده‌های وارد آورده به روشها متنوع توأم با فریب، تهدید و فشار متوسل میشدند. بسیاری از افراد ی که از اعتراف به خیانت و یا اعمال ضد انقلابی سر باز زدند کشته شدند یا خود کشی کردند. با اطمینان میتوان این نتیجه‌گیری را بیان کرد که به اصطلاح "انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی" نه تنها مطلقاً هیچ ارتباطی با پرولتاریا، فرهنگ و انقلاب نداشت، بلکه دقیقاً ضد آنها بود. لئونید برژنف در سخنرانی خود در ریوداپست اعلام کرد: "آنچه که در اردو سته مائوتسده و انقلاب فرهنگی میخوانند، میتوان دقیقاً اقدام ضد انقلابی دانست."

در جریان پیگرد و سرکوب وحشیانه و بلا استثنا، برخی از نزدیکترین یاران سابق مائوئشمول تصفیه شدند و قربانی گردیدند. برای مثال میتوان از لیوشائوچی، هوچیانو، مو، تن چن، تائو -

بقیه آموزش و پرورش . . .

به عقیده رئیس جمهور و رئیس شورای انقلاب سابق این کشور فقید حوازی بومدین ، مردمی شدن آموزش و پرورش و تربیت متخصصین در میان هدف های دیگر الجزایر جای ممتازی دارد . اگر این گفته درست است که استقلال تازمانی که اقتصاد در دست انحصارات خارجی قرار دارد ، مفهومی ندارد ، این تأکید نیز بجاست که استقلال تا زمانی که جهالت بر کشور فرمانرواست کامل نخواهد بود . اگر استقلال در پرتو روشنائی شناخت و معلومات قرار نگیرد ، به چه درد می خورد .

در نخستین سالهای کسب استقلال ، کارزار ملی مبارزه با بیسوادی سراسر الجزایر را فرا گرفت . در اوت ۱۹۶۳ ، فرمانی در باره ایجاد مراکز سوادآموزی صادر شد . اما این مراکز بعلت فقدان آموزندگان و کمبود وسایل لازم مادی دیری نپائید . این ناکامی نشان داد که دادن آموزش به همه مردم بیسواد ، یکبارنه ناممکن است و تأثیر آن در محیط اجتماعی عقب مانده بسیار نازل می باشد .

در ۱۹۶۶ ، بر اساس مرکز ملی سوادآموزی و با کمک کارشناسان یونسکو ، کلاس های تجربی به اراده کارگران موسسات صنعتی ، واحد های بهره برداری خود مدیریت و کارمندان ادارات گشایش یافت . در ۱۹۶۹ مرکز ملی آموزش عمومی به وجود آمد که هدف اصلی آن دادن آموزش به کسانی است که به دلایل مختلف ترك تحصیل کرده اند . جوانان ۱۵ تا ۱۹ ساله برد یگران مقدم اند . این اقدامات امکان داد که نرخ بیسوادی بین الجزایری های بیش از ۱۰ سال به ۷۰٪ تقلیل یابد . پیش بینی می شود که در ۱۹۸۰ درصد بی سوادان از ۳۰٪ بیشتر نباشد .

برای درك بجزنجی وظیفه باید بگوئیم که موقعیت ویژه ای در مسأله جمعیت الجزایر به وجود آمده است : زیرا تعداد متولدین بسیار بالا و مرگ و میر بسیار نازل است . این امر موجب افزایش سریع جمعیت شده و به میزان بیش از ۳٪ در سال رسیده است . کم رشدی اقتصاد ، محیط عقب مانده اجتماعی ، سطح نازل زندگی و کمبود فاجعه آمیز شغل به این دشواری ها افزوده می شود . تنها سمت گیری اجتماعی سیاسی الجزیره و منابع پولی حاصله از ثروت های فراوان طبیعی است که امکان می دهند اندکی از تأثیر عوامیل مذکور کاسته شود .

در این زمینه باید از سیستم آموزشی یاد کرد که به موهبت سمت گیری سوسیالیستی بطور کامل دگرگون و مردمی شده است . علاوه بر این ، همه موسسات خصوصی در این قلمرو منحل شده اند . مقارن سال ۱۹۷۶ شبکه متمرکزی از موسسات آموزشگاهی بوجود آمده است . آموزش و پرورش در تمام سطوح مجانی است و همه قشرهای زحمتکش جامعه به آن راه دارند .

الجزایر در آغاز همه نیرو و امکانات خود را در آموزش ابتدائی متمرکز نمود . تعداد شاگردان ابتدائی در سال های استقلال که در سپتامبر ۱۹۷۸ به بیش از ۳ میلیون رسید ، چهار برابر شده است . دولت امکانات فوق العاده و اضافی بوجود آورده است که فرزندان خانواده های بی چیز بتوانند تحصیل ابتدائی خود را به پایان برسانند . در تمام مدارس نهار خوری دایر شده است . در کشور برای محل های روستائی ، مناطق پر جمعیت و نقاط عشیره ای ، مدارس شبانه روزی به وجود آمده است . شاگردان مدارس ابتدائی بطور رایگان تغذیه می شوند .

در برابر افزایش سریع تعداد شاگردان در سالهای ۶۰ لازم بود ، تعداد معلمان و شاگردان در کلاس بطور نسبی افزایش یابد . اما در پایان سالهای ۷۰ وضعیت جدیدی بوجود آمد . زیرا در ۱۹۷۸ در دوره ابتدائی تعداد معلمان به ۸۵۵۰۰ نفر رسید که ۱۳ بار بیشتر از ۱۹۶۲ است . از این عده ۹۸٪ الجزایری هستند . تحت تأثیر این وضعیت تعداد شاگردان يك کلاس بطور متوسط از ۵۷ نفره ۳۵ - ۳۷ نفر تقلیل یافت .

البته هنوز کارهای زیادی باید انجام گیرد . مثلاً علیرغم اعلام انقلاب الجزیره در برابر دختروپسر در تعلیم و تربیت به دلیل بقای ایاجته ای - روانشناسی گذشته تعداد دختران در مدارس ابتدائی بطور محسوس پائین تر از تعداد پسران است . در دبیرستان ها و آموزش عالی وضع از این هم بدتر است . با وجود این برای يك کشور مسلمان در راه رشد پیشرفت آموزش زنان چشمگیر است : در سال تحصیلی

۱۹۷۶-۱۹۷۵ ، ۸۰٪ دختران الجزایر در مدارس مشغول تحصیل اند .
يك مسأله حاد دیگر اختلاف بین کیفیت آموزش در شهر و روستاست . برای حل این مشکل باید از چارچوب فعلی آموزش با فراتر نهاد و به سطح مهمتری از دگرگونی های اجتماعی - اقتصادی رسید . در این دگرگونی اصلاحات ارضی ، بالا بردن رفاه دهقانان ، تغییر بنیادی در شیوه زندگی روستا جای ویژه ای دارد . در حال حاضر شهر و روستا از حیث تعداد معلمان متخصص و تناسب شاگردان کلاس بایکدیگر تفاوت فاحش دارند . این شاخص برای پایتخت (الجزیره) ۹۵٪ و برای منطقه روستائی سعیدا ۵۰٪ است شاخص متوسط ۷۴٫۶٪ است .

البته این ارقام میزان گزینش دانش آموزان و تعداد افزایش آنها را بیان نمی کنند . مثلاً از هر هزار دانش آموز کلاس اول تنها نیمی از آنان تا کلاس ششم به تحصیل خود ادامه می دهند . در عبارت دیگر مسئله عبارت از جذب صد درصد کودکانی که به سن تحصیل رسیده اند ، نیست . این هدف در ۱۹۷۱ حاصل شد . البته با بالا بردن محسوس کیفیت آموزش و کاهش اخراجی ها ، مخصوصاً در مناطق روستائی در دست که زیر ساختاری کم رشد دارند . اینکار با وجود پائین بودن طبیعی نرخ رشد تعداد دانش آموزان ابتدائی (۵ درصد در ۱۹۷۸ - ۱۹۷۳ در برابر ۲۰ درصد در ۱۹۷۲ - ۱۹۶۲) مستلزم کوشش ها و وسائل زیادی است .

تقدیمی که به آموزش ابتدائی داده شد ، بطور جدی رشد مدارس متوسطه را که از ۱۷٪ اعتبارات آموزش و پرورش برخوردار بود ، محدود نمود (اعتبارات مدارس متوسطه در هند ۳۷٪ ، در مراکش و تونس ۲۶٪ است) . فقدان متخصصین متوسط مخصوصاً در جریان اجرای سیاست عدم تمرکز مدیریت اقتصادی که مستلزم رهبری ذیصلاح در محل است ، بشدت احساس میشود . در این زمینه جای هیچ تعجیبی نیست ، زیرا الجزایر بهادار آستانه آزادی ۱۷٪ / ۶ درصد تعداد کل متخصصینی را که دارای تربیت حرفه ای متوسطه بودند ، تشکیل می دادند .

در آغاز سالهای ۷۰ مدارس متوسطه بسرعت گسترش یافت . در سال ۱۹۷۵-۱۹۷۴ ، ۴۸٪ اعتبارات آموزش ابتدائی و متوسطه به آموزش متوسطه اختصاص یافت . در این سال افزایش بودجه وزارت آموزش و پرورش تقریباً به تعامی صرف سرمایه گذاری در مدارس متوسطه گردید . تعداد دانش آموزان متوسطه که در

پایان دهه ۶۰ ، ۳۸۰۰۰ نفر بود در ۱۹۷۸ به ۷۵۰۰۰۰ نفر رسید . با وجود نسبت فزاینده جوانان (۵٪ در سال) که دوران ابتدائی را گذرانده و به تحصیلات خود ادامه می دهند (۴۰٪ جوانان ، درصدی که بطور محسوس خیلی بالاتر از شاخص متوسط آفریقا است) باز آشکارا دیده میشود که این رقم جوابگوی توسعه اقتصادی سریع کشور نبوده و مخصوصاً برای محو آثار عقب ماندگی استعماری کافی نیست ، چرا که در سال ۱۹۷۶ کمتر از ۱/۸ جوانان ۱۲ تا ۱۷ ساله در مدارس متوسطه مشغول تحصیل بودند . مدارس کشاورزی که در آن نوجوانانی پذیرفته میشوند که حتی تحصیل ابتدائی ندارند ، نقش مهمی در دگرگونی روستاهای الجزایر ایفاء میکنند . معدالک رهبران الجزایر برای مقابله با وضعیت فوق العاده و ضرورت تربیت سریع متخصصین برای عملی ساختن اصلاحات ارضی آگاهانه سطح نیازهای لازم به جوانانی را که در این مدارس ثبت نام می کنند ، پایین می آورند . بدون شك در زمینه آموزش عالی ، پیشرفت های بسیار چشمگیری حاصل شده است . در ۱۹۶۲ در الجزایر پنج مهندس کشاورزی ، دو مهندس فن شناس و يك مهندس معمار وجود داشت . اکنون در این جمهوری ۶۰۰۰۰ دانشجو که در ۱۹۶۲ تعدادشان ۱۲۰۰ نفر بود ، وجود دارد . در ۱۹۷۶ در کشور ۲۲۰۰۰ متخصص دیپلمه وجود داشت که همه مشاغل کلیدی اقتصادی ملی در دست آنها بود . از ۱۹۶۲-۱۹۶۳ تا ۱۹۷۶-۱۹۷۵ نرخ رشد سالانه دانشجویان ۳۲٪ بود ، شاخصی که بطور محسوس خیلی بالاتر از شاخص کشورهای صنعتی (۱۰/۷) و کشورهای در راه رشد (۸/۳) است .

رشد سریع تعداد دانش آموزان در تمام سطوح منشاء عدم تناسب هاد در سیستم آموزشی و عدم تعادل میان آموزش و نیازهای اقتصاد بوده است . یکی از فوری ترین هدف های بهبود مضمون آموزش در جای نخست تطابق آنها با نیازهای تعلیم و تربیت عمومی و نیز ترك اسلوب های تربیتی مشابه اسلوب های آموزشی فرانسه

است که با نیازهای اجتماعی - اقتصادی ویژه کشور مطابقت ندارد . اصلاحات مقدمه از زمینه گسترش آموزش فنی انجام گرفت که عملاً در الجزایر استعمار زده به دست فراموشی سپرده شد . نبود در ۱۹۷۴-۱۹۷۷ ، ۷۵٪ دانش آموزان دیپلمه در دبیرستانها در مدارس فنی پذیرفته شدند . این هدف تامین نگردید ، زیرا آهنگ رشد تعداد محصلین مدارس فنی خیلی بالاتر از مجموع مدارس متوسطه بود .

در الجزایر کنار موسسات آموزشی متوسطه تخصصی بیش از ۲۰۰ مرکز تربیت حرفه ای ناهمگون متشکل در يك سیستم واحد وجود دارد که توسط وزارت خانه ها ، واحدها و سازما - نه های صنعتی مختلف دولتی برپا گردیده است . دولت تصمیم گرفته است هر مؤسسه ای که ۱۰۰ کارمند داشته باشد يك مرکز برای تربیت حرفه ای و آموزش های جدید تأسیس کند این فرمول آموزشی هم از حیث اقتصادی سودمند و با صرفه است و هم امکان میدهد که خیلی زود به يك فعالیت مشخص رو آورند . این سیستم از اتحاد شوروی اقتباس شده است زیرا این کشور در سالهای صنعتی کردن همین سیستم توانست مسایل تربیت نیروی کار متخصص را حل نماید .

تربیت تخصصی دانشجویان دانشگاه انبیا که بتازگی افتتاح یافت تصویر روشنی از کارکرد علمی و فنی شدید و منحصر بفرد در آموزش عالی بدست میدهد . در این دانشگاه تکیه اساسی روی آموزش فنی است و در آن کمتر از ۲۰٪ دانشجویان در رشته ادبیات تحصیل میکنند .

در پایان سالهای ۶۰ و آغاز سالهای ۷۰ انستیتوهای فنی برای تربیت عملی و کوتاه مدت متخصصین حرفه ای مورد نیاز نقش مهمی در گسترش آموزش فنی متوسطه و عالی ایفاء کردند . نخستین انستیتو که به تربیت متخصصین کشاورزی می پردازد در روستاگانم افتتاح یافت . اکنون ، بیش از ۴۰ واحد انستیتو با حداقل ۱۱۰۰۰ دانشجو وجود دارد . مهمترین آنها انستیتوی الکترومکانیک در الجزیره (پایتخت) ، انستیتوی ارتباطات دور و الکترونیک در اوران ، انستیتوی بهداشت عمومی در کنستانتین و مرکز تربیت تکنسین - هاد زمینه اتوماتیزه کردن در انبیا است .

از ۱۹۷۱ برنامه صرفه ای در سالها این انستیتوها یا يك برنامه دو ساله دیگر در زمینه مطالعه عمیق تئوریک تکمیل شد . مجموعه دانشجویانی که سالیان در انستیتوهای فنی فارغ التحصیل میشوند تقریباً ۴۰۰۰ تکنسین و ۳۰۰۰ مهندس است . برای تامین کامل نیازهای تولید این رقم باید تا ۱۹۸۰ به میزان ۵۰ تا ۱۰۰٪ افزایش یابد . البته ایجاد انستیتوهای تکنولوژیک يك راه حل موقت است . در آینده این کار باید در موسسات معمولی آموزش عالی انجام گیرد .

ارگان های رهبری آموزش و پرورش به هماهنگی و پیوستگی سیستم تعلیم و تربیت توجه ویژه ای معطوف میدارند . از این رو - برای پایان دادن به جدائی این موسسات و سیستم بجز از مونها که بهانه به اخراج های بسیار زیاد میداد ، در ۱۹۷۷ - ۱۹۷۶ مدارس پایه ای ۹ ساله بوجود آمد که اولین دوره آنها در ۱۹۸۵ فارغ التحصیل خواهند داشت . طی سه دوره سه ساله هر يك از محصلین به زبان عربی آموزش پلی تکنیک خواهند دید . عربی کردن یکی از شعارهای اساسی اصلاح آموزش است . هدف آن " استعمار زدانی معنوی " خلق و چیرگی بر سیستم وزبانه در همه قلمروهای زندگی است .

علاوه بر قلمرو آموزش ، سیاست عربی کردن در دستگاه دولتی ، حزب ، مطبوعات و ارگانهای اقتصاد یو اداری نیز به اجرا در می آید . اعمال این سیاست در مدارس عالی که در آن فرانسه زبان اصلی است ، با مشکلات بالنسبه مهمی روبروست . رهبران الجزایر در مسئله زبان با توجه به عناصر روانشناختی و تعلیم و تربیتی رفتار معقولا نه ای در پیش گرفته اند . بدون شك تثبیت مجد د مواضع زبان عربی که ۱۰۰ سال زیر تازیانه سیاست برتری طلبانه قرار داشت ، مستلزم زمان زیادی است .

ساختار آموزش ، در جای نخست ساختار مدارس عالی بهبود میابد . تا ۱۹۷۱ اقرب سه چهارم دانشجویان تحصیلات خود را در دانشگاه پایتخت به انجام رساندند . این امر موجب عزیمت جوانان با استعداد به مراکز جدید صنعتی گردید . دولت برای افزایش ظرفیت پذیرش دانشگدهای اوران ، کنستانتین و انبیا اقدامات جدیدی به عمل آورد . علاوه بر این ، اعلام داشته است که در آینده نزدیک در ستیف ، بلید و تیزی وزو مراکز جدید دانشگاهی گشایش خواهد یافت . تعداد دانشجویان پایتخت با وجود اهمیت آن در سال ۱۹۷۶-۱۹۷۵ نسبت به ۱۹۷۴ - ۱۹۷۳ ، ۱۳٪ تقلیل یافت و در عوض تعداد دانشجویان دانشگاه های کنستانتین ، انبیا و باب اکس زو را بطور محسوس فزونی

ایران و جهان در هفته گذشته

یکشنبه ۵۹/۴/۱۵

■ ستاد مرکزی واگذاری زمینهای کشاورزی تشکیل شد. این عیارسوی مسئولین ستاد واگذاری زمین منتشر گردید. امید است با تشکیل این ستاد در واگذاری زمین به روستائیان پیش از این تاخیر نشود و با اقدام سریع توطئه های ضد انقلاب در روستا خنثی شود.

■ انجمن اسلامی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران طی اطلاعیه ای نسبت به عملکرد های طاغوتی این وزارتخانه شدیداً اعتراض کرد. مفاد این اطلاعیه که در روزنامه جمهوری اسلامی ۱۵/۴/۵۹ درج گردید چنین اشعار میدارد: استفاده از سفرای "آریامهری" در ده های بالای وزارت خارجه، بخدمت گرفتن مشاورین اشرف در ریستهای حساس، ابقاء کارمندان و منابیع ساواک منحل در روز وزارت خارجه، استفاده از امریاسازی فحاشی به کارمندان جزو استفاده از آنان برای انتخابات ریاست جمهوری، تهمت و دروغ بستن به افراد بدون هیچگونه سند و مدرک و... این اطلاعیه یکبار دیگر ضرورت پاکسازی بنیادیدر وزارتخانه ها و ادارات موزا کرد یگرد ولتی را براساس رهنمود های امام در تمام سطوح گوشزد میکند.

■ مدیرکل تربیت بدنی خوزستان به جرم همکاری با ساواک دستگیر شد. در تعقیب تهاجم های نظامی تا یلند به خاک کامپوجیا، آمریکا کمک های نظامی خود را به تا یلند آغاز نمود.

■ رژیم حاکم تا یلند یکی از فاسد ترین رژیم های وابسته به امپریالیسم در جنوب شرقی آسیاست. این رژیم مرکز توطئه و خرابکاری ارتجاع بین المللی به سرکردگی آمریکا بر ضد جنبشهای ضد امپریالیستی در این منطقه است.

دوشنبه ۵۹/۴/۱۶

■ حجت الاسلام محلاتی نمایندۀ امام خمینی در سپاه پاسداران انقلاب طی تسلیم گزارش با زید خود از مناطق غرب کشور به شورای انقلاب اعلام داشت که در منطقه سریل ذهاب و مناطق مرزی گروه های مسلحی که بوسیله عراق مسلح شد هواز سوی پالیزبان و سالار جاف و ایادی شاه سابق حمایت میشوند در ست به ایجاد شورش و بلوا میزنند.

این گزارش هشداری به مقامات مسئول در اجرای سریع برنامه های انقلابی و متشکل کردن مردم در برابر ضد انقلاب داخلی و خارجی است.

■ شورای کارکنان پالایشگاه اصفهان ضمن پشتیبانی از فرمان امام در مورد پاکسازی ادارات خواستار جان نشین شدن یکی از نهادهای انقلابی بجای هیئت پاکسازی شد. در اطلاعیه ای که از سوی این شورا منتشر شد از جمله آمده است: علیرغم دعای واهی هیئت پاکسازی وزارت نفت و آقای مهندس بوشهری هنوز عتاً صرفاً سد ساواک منحل در تمام سطوح این وزارتخانه مشغول بکارند و تمام حقوق و مزایای نامشروع که در رابطه با ساواک منحل به دست آوردند به آنها پرداخت میشود. در این اطلاعیه همچنین آمده است: در مورد افراد فاسد هیچگونه پاکسازی اصولی نشده و فقط عمل جابجائی صورت گرفته است و نیز در وزارت نفت قرار داد های ضد مردمی و استثماری رهنوز به قوت خود باقی است و حتی به صورت حاد تری از پیمانکاران استثماری حمایت میشود.

■ به گفته یاسر عرفات رهبر سازمان آزاد بیدار فلسطین اسرائیل و پنتاگون در تدارک حمله وسیع به فلسطین اند. یاسر عرفات در این باره اضافه نمود: یک حمله گسترده اسرائیل نظیر حمله مارس ۱۹۷۸ را برای درهم شکستن مقاومت فلسطین پیش بینی میکنند.

■ بگین اعلام کرد که کلیه دانشجویان عرب از دانشگاهها اسرائیل اخراج میشوند. در طی ماه جاری در مورد کمونیستها نیز چنین ستوراتی صادر شد. مقامات اسرائیلی از دادن اجازه به فلسطینیها جهت ساختن دانشگاههای جدید در سرزمینهای اشغالی کرانه غربی رود اردن خود داری میکنند.

■ فان هین وزیر اطلاعات و خارجه جمهوری سوسیالیستی ویتنام به ایران آمد. وی ضمن مصاحبه ای اظهار داشت: در کشور بایستی به یکدیگر کمک متقابل کنند تا صلح و آرامش و استقلال در آنها استعرا یابد. فان هین اضافه کرد: ویتنام پشتیبانی خود را علیه دخالت نظامی آمریکا به ایران ابراز میدارد. وی همچنین در مورد تجا و زاخیر چین و نیز برخورد های تا یلند با کامپوج گفت: اتحاد جماهیر شوروی با بستن قرارداد های د رزمینهای

اقتصادی نظامی، بین المللی از حکومت های ویتنام و کامپوج حمایت میکند. اما امپریالیسم آمریکا سعی دارد که ویتنام را ضعیف کند و صلح را از بین ببرد. وی افزود باقیمانده رژیم پهلوت که در رمزهای کامپوج مستقر است از سوی آمریکا و چین کمک های نظامی و اسلحه دریافت دریافت می کنند.

سه شنبه ۵۹/۴/۱۷

■ ستاد پاکسازی شهر تهران طی اطلاعیه ای دستور برجیدن ده های کناری خیابان رایایک مهلت ۴۸ ساعته صادر کرد.

این تصمیم شتابزد که بدون تدارک قبلی و چاره اندیشی در باره زندگی عدّه زیادی از زحماتکشان بیکار و خانواد ه های آنها اتخاذ گردید، زمینه مساعدی برای تحریکات و سوء استفاده ضد انقلاب و ایادی آن فراهم آورد.

■ بجاست که مسئولین امر به جای شکل پرستی به مضمون و عواقب کار خود ببینند و با این نوع تصمیمات زحمتکشان را در برابر انقلاب قرار ندهند.

■ رژیم طاغوتی عمان ۴۰ میلیون دلار اسلحه های پیشرفته از انگلستان میخرد. در عین حال برخی از بناد روحریم فضائی عمان در اختیار امریکا قرار میگیرد.

■ امپریالیسم آمریکا و انگلستان و هم پیمانان آن از دیرباز برای سرکوب جنبش های ضد امپریالیستی در منطقه و بویژه اخیراً برای براندختن نظام جمهوری اسلامی انقلابی در ایران همه نوکران خود را از پاکستان و ترکیه تا مصر و از عمان تا عربستان تا بن دندان مسلح کرده اند و میکنند.

چهارشنبه ۵۹/۴/۱۸

■ شورای انقلاب اعلام کرد که نخست وزیر و او خرفه هفته آینده به مجلس معرفی میشود.

■ با این اقدام نظام جمهوری اسلامی ایران امکان مییابد در ابعاد مختلف به فعالیت منظم و هماهنگ پردازد و مشکلات اجتماعی - اقتصادی موجود را که زمینه مساعدی به تحریکات ضد انقلاب میدهد، با برنامه ریزی دقیق از پیش پایردارد.

■ کمیسیون جهانی حقوقدانان همکاریهای چهار کشور آمریکا، جنوبی آفریقا، شیلی، پاراگوئه و اروگوئه را در زمینه "دستگیری و شکنجه انقلابیون به شدت محکوم نمود. این همکاری که طبق قرارداد تنظیمی بین این کشورها انجام میگردد، به شدت از جانب امپریالیسم آمریکا این دشمن اصلی جنبشهای انقلابی تشویق و حمایت میشود.

■ واحد های تازه ای از سربازان چینی به مرز ویتنام اعزام شدند.

■ رهبران مائوئیست یکن با فرورفتن در منجلا ب خیانت به جنبش کارگری و نهضت های رها نیش و در ریش گرفتن سیاست بند و بست با امپریالیسم آمریکا و رژیم های ارتجاعی این بار با بحران آفرینی در مرز ویتنام و تجا و زبه خاک این کشور قهرمان در نظر دارند توجه جهانیان را به جنوب شرقی آسیا جلب کرده و به امپریالیسم آمریکا فرصت دهند که از این موقعیت برای سرکوب انقلاب ایران بهره برداری نماید.

پنج شنبه ۵۹/۴/۱۹

■ غنی بلوریان اعلام کرد: مزدوران عراق می خواهند در کردستان دولت آزاد اعلام کنند. این اظهارات در کناره خبر ه لند از جانب پیمان تجا و زکار تا مائوئیست یافته است از بودجه این سازمان ۹ میلیون دلار به منظور " دفاع از حقوق خلق کرد " در اختیار دارد. اردو سته قاسم سلو قرار داد، از عمق توطئه امپریالیسم آمریکا و عوامل مزد و روی علیه انقلاب ایران پرده بر میدارد.

■ پنجشنبه شب، در یک برنامه "راد یوتلوویزیونی" بنی صدر رئیس جمهور و رضائی یکی از مسئولین سپاه پاسداران و فرمانده نیروی هوائی توطئه کودتای ناکامی را که بوسیله عوام مسل امپریالیسم آمریکا در شرف تکوین بود افشا کرد. بنا به اظهارات آنان کودتاجیان در صدد بودند که پایگاه هوائی "نوزه" (حر) را در نزدیکی همدان تصرف کنند و پس از بمباران بیت امام، مد رسه فیضیه، مقر ریاست جمهوری و سپاه پاسداران، رادیو - تلویزیون را متصرف شوند و بختیار خائن را به ایران بازگردانند و بلافاصله استقرار حکومت جدیدی را به رهبری شورای نظامی کشور ایران " اعلام نمایند. کودتاجیان اعلامیه های راکه می خواستند پس از سرنگون کردن جمهوری اسلامی ایران منتشر کنند، چاپ و آماده کرد. بونند آنها در این اعلامیه ها از استقرار " حکومت جدید " دم زدند و واخطار کردند که " هرگونه مقاومتی به شدت سرکوب خواهد شد ".

■ رئیس جمهور اعلام کرد که کودتا، قبل از وقوع بمباران هویشیاری اقدام بموقع سپاه پاسداران و کمیته مرکزی انقلاب اسلامی و افراد صدیق و انقلابی نیروی هوائی ناکام ماند و خاطر نشان کرد که این ششمین توطئه از نوع خود بود که طی چهار ماه اخیر، کشف و خنثی شد. دست وی افزود که هفتمین توطئه کشف

شد نیز بموقع خود به اطلاع افکار عمومی خواهد رسید.

تفسیر این توطئه امپریالیستی در سرمقاله همین شماره " اتحاد مردم " درج شده است.

■ ملاقات هوا کوفنگ با جمعی کارتر رئیس جمهور آمریکا در ژاپن و مسافرت ضیاء الحق جلاد مرد پاکستان به عربستان سعودی برای دیدار و گفتگو با ملک خالد و اعزام یک اسکادران از هواپیما های آمریکائی به مصر رآستانه اجرای توطئه کودتا در ایران حلقه های مرتبط یک دسیسه بین المللی به کارگردانی امپریالیسم آمریکا و مشارکت مائوئیستهای چین و نوکران ریزو در رشت آمریکا در منطقه خاور نزدیک و میانها بود. دست.

جمعه ۵۹/۴/۲۰

■ امام خمینی در اجتماع از روحانیون وائمه جماعات تهران و شهرستانها که در ترکیه "جماران" برگزار شد، با اشاره به توطئه کودتای ناکام امپریالیستی، گفتند: "ملت باید آماده باشد برای این اموری که دارد پیش میآید که آن روزی که خدا نخواسته فرض کنید فائتوم آنها آمد و اینجا را خراب کرد و من هم رفتم سراغ کار ملت دستش بازو با مشت محکم حفظ بکند اسلام را. روحانی، بازاری، کارگر، کشاورز، کارمند، قوای مسلح، همه باید حال آماده باش داشته باشند..."

"... امروز روزی است که باید تمام قدرت ها هماغهنگ باشند و همه حفظ نظم بکنند که اگر نظام بهم بخورد وضعیت بهم میخورد و همه خودشان را فدای اسلام بدانند و در هر جا هستند آماده باشند برای وقتی که شب فرض کنید آمدند و بمباران کردند، آماده باشند که بیایند بیرون و اینها را که بعد از اینکه بنیهایشان تمام شد، باید بیایند پائین، قتل عامشان کنند... شما بین راه هستید اختلافها را کنار بگذارید. یک روز برای اختلافات هم، اگر خدا ای نخواسته بخواهید اختلاف کنید، باز هست، امروزه روز نیست..."

شنبه ۵۹/۴/۲۱

■ اخبار مربوط به توطئه کودتای ناکام آمریکائی و جزئیات سرکوبی آن در مطبوعات انعکاس یافت: ستاد مشترک از سپاه پاسداران و نیروی هوائی برای تعقیب و دستگیری توطئه گران تشکیل شد، پیش از دست و پنجه نغز از اعضاء اصلی توطئه و از جمله سپهبد مهدیون و سپهبد محقق دستگیر شدند، فرمانده سپاه پاسداران منطقه خوزستان اعلام کرد که بیست نفر از افسران ارشد توطئه گزار شد در این منطقه و از جمله فرماندهان لشکر ۹۲ زرهی، پادگان هوائی در فول، ژاندارمری خوزستان و نیروی دریائی خرمشهر بازداشت شده اند و بازجویی از آنها ادامه دارد. این واقعه، ضرورت نوسازی ارتش جمهوری اسلامی ایران را با محکومیه بقایای رژیم شاهنشاهی در آن و تصفیه قاطعانه عمل امپریالیستی را که در تعدادی از مقامات آن لانه کرده اند اثبات میکند. تعلل در مقابل این امر مبرم انقلابی، چنانکه امام در سخنرانی تاریخی خود تأکید کرده اند، پیش از این دیگر تحمل پذیر نیست.

مائوئیسم یک تئوری کاذب در...

جو، بنگ چن، لی تینگ - نی، چویانگ، بنگ چهوائی و برخی از دیگر رهبران سیاسی و نظامی عالیرتبه نام برد. صد حزب کمونیست چین تهاجم علیه به اصطلاح "خیانت کاران" را سازمان داد، در جریان این تهاجم بیشتر از ده هزار نفر هفتصد نفر از رهبران عالیرتبه حزبی، دولتی، نظامی، و سازمانها تود های وغیره، تحت پیگرد قرار گرفتند. بعد معلوم شد که، در سال ۱۹۶۲، رهبران مائوئیست به یکی از روزنامه نگاران برجسته دستور داد مبنی بر مقاله ای لی چیوچن قهرمان ملی انقلاب تایپه را به عنوان خیانتکار معرفی کند.

انقلاب فرهنگی، با یورشهای در و راهی خود، در سال ۱۹۷۷ با شکست "باند چهار نفری" خاتمه یافت. اما همچنانکه هوا کوفنگ جان نشین مائوید ریازد همین کنگره حزب کمونیست چین خاطر نشان ساخت، مشی ادامه انقلاب در شرایط دیکتاتوری پرولتاریا باید د رآینده ادامه پیدا کند. مائوئیسم میکوشد این تئوری را به ثابته سهمی در مارکسیسم لنینیسم، که اجرای آن برای تمام کشورهای که در آنها سوسیالیسم بنا میشود اجباری است، و نمود سازد. اما این تئوری و مشی ضد مارکسیستی، و در واقع تر و تسکیستی، که انقلاب سوسیالیستی را به اعتبار میسازد، بوسیله جنبش جهانی کارگری و کمونیستی، و خلقهای جهان محکوم شده است.

ادامه دارد...

- (۱) بولتن اطلاعاتی بنگاه هسین هوا، ۱۲۲ و ۱۹۷۷.
- (۲) ژن مین ژیاو، ۱۴ ژوئیه ۱۹۶۴، ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۱، در باره شبه کمونیسم خروشچفی و در تاریخ - جهانی آن، پکن، ۱۹۶۴، صفحه ۳.
- (۳) پروادا، ۸ سپتامبر ۱۹۶۷.

بقیه بهتر بیندیشیم

د رخاوریانه با انقلاب ایران به هم ریخته است، همه اسلام- پناهان منطقه که از سرایت اندیشه‌های اسلام انقلابی در قلمرو حکومت طاغوتی خود هراس دارند، سلطه طلبان چین که به امید سروری بر جهان پیوند نامبارکی با امپریالیسم بسته اند، دست در دست یکدیگر دارند و در شکست تلاش بزرگ انقلابی مایکوشند. از محاصره اقتصاد و توقف داری ایران در بانه‌های خود و شایعه پراکنی و اخلاگری و تخریب و توطئه، کاری نیست که نکرده باشند و نکنند. کارشان همین است. جز این انتظار نمی‌توان از آنها داشت. ولی کار ما چیست؟ ما از سه طرف در محاصره هستیم: د شمعیم، د رسترا سرخلیج فارس و د ریای عمان، د رمرز- های پاکستان و عراق و ترکیه، مستقیم یا غیرمستقیم، با امپریالیسم و متحدان و دست نشانده‌گان آن سروکار داریم. نیروی دریایی و هوایی آمریکا و سپاه و اکنش سریع آن، در راه ما، د رسترا سرخلیج فارس و عربستان سعودی آماده هجوم است. کمی د روتر، اسرائیل و مصر د و سرپل واقعی تهاجم به ایران هستند و پنهان نمیکنند. عراق د رغرب کشور ما فتنه‌نگیزی میکند و ما هب است که عواما مل تخریب و کشتار را د رخورستان به حرکت د رمی آورد و د رکزستان سربازان و پاسداران و مردم بیگنا را با آتش توپخانه و انفجار مین و بمباران هوایی به خاک و خون میکشد، همه تا بلکه با کاشاندن ارتش و سپاه پاسداران به یک د رگیری وسیع ناخواسته د رمرز، برای ضد انقلاب و مزدوران توطئه‌گر آمریکا فرصتی فراهم شود که از داخل و از جایی که نیروی مقاومت ضعیف تراست ضربه‌های کاری به نظام نوپیدا انقلابی ما وارد سازند.

از سوی دیگر، سیاست خائنانه چین عجولانه د رتدارک یک اتحاد نظامی با آمریکا و ژاپن است، و این عامل تازه‌ای د رسیاست جهانی است که گذشته از تأثیر منفی مسلمی که بر امر تشنج زد اثری و صلح خواهد داشت، روند تحکیم و گسترش انقلاب و سازندگی و پیشرفت کشور ما را به خطر خواهد انداخت. زیرا تهاجمی که محورها سنگین - یکن - توکیو به گمان سازندگان آن میباید د ر خاورد و بر برای اتحاد شوروی پدید آورد، میتواند آمریکا را به ماجرا - جوئی و تجاوز د رمنطقه خلیج و خاصه ایران تشویق کند، به این امید که اتحاد شوروی د یگرنخواهد توانست د رآسیای جنوب غربی از دستبرد به حق ملت‌ها قاطعانه جلوگیری کند. د رجین احوال پیچیده و پرخطر، هنگامی که د رتجربه‌های مکرر به چشم دیدیم و میبینیم که امپریالیسم جدایتکار د رستیاران

غارتگرش چه عزم را سخی د رتثبات خود برای برانداختن نظام انقلابی ایران نشان میدهند، گوئی د ستهائی د رکاراست که بمنظور زمینه‌سازی روحی برای توطئه‌های د رحال تکوین بر حجم کمبودها و نابسامانی‌ها بیفزایند، به نارضائی‌ها د امن بزنند و نیروهای اصیل خدمتگزار را که باید د راتحاد خود حافظ د ستاوردهای انقلاب باشند از هم جدا کنند. ربه خارج نیز، لحن خصمانه‌ای که به نحوی فزاینده از سوی مسئولان د ولتی و غیرد ولتی انقلاب ایران نسبت به همسایه‌های شرقی و شمالی بکار برده میشود، بویژه این شایعه سمع که تسهیلاتی، احتمالا برای نفوذ عناصر مخالف د ولت انقلابی افغانستان از خاک ایران فراهم میآید، سخت مایه نگرانی است. آیا چنین نیست که با سحر د ربرهم‌زدن روابط ما با همسایگانی که د رریشتیانی از انقلاب ایران و دفاع از استقلال و حاکمیت ملی ما هرگز کمترین کوتاهی نمودند و همیشه خواستار بهترین روابط د وستی و همکاری با ما بودمانند، این جمهوری اسلامی ایران است که د رردون مرزها خود منزوی خواهد ماند؟ د ران صورتی که بر این اساس شکستن این انزوا، میباید از طریق واسطه‌های خوش‌خدمتی از قماش بین‌الملل سوسیالیست یا حلقه‌های رابطی مانند کشورهای آلمان غربی و انگلستان و فرانسه یا زبیا آمریکا روی آورد؟ این همه، د ر عالم سیاست از بدیهیات است. هیچ د ولتی د رجها - از جمله د ولت جمهوری اسلامی ایران - نمیتواند د رسترا سرمرزها - ای خود با همه دست‌نویزها و رخاوش یا شد - مانع می‌توانیم د رجمع مرزهای آبی و خاکی خود با آمریکا و دست نشانده‌گانش د رگیری باشیم و د و پنجم باقی‌مانده نیز به عمد خود را د رگیر کنیم. این به عقل راست نمی‌آید. بهتر بیندیشیم. انقلاب بر انقلاب اسلام هم، د رخطر است. توطئه‌های که از سرگذرانند ما این د رس را به ما میدهند.

بقیه آموزش و پرورش ملی در...

یافته است. برنامه د رازمدت گسترش د انشاگاهها پیش بینی می کند که د ر ۹۸۰ تعداد د انشجویان به ۱۲۰۰۰۰ میرسد که د ر ۱۰ د انشاگاه کشور به تحصیل خواهند پرداخت. پیداکردن شغل با مسأله ناکافی بودن متخصصین آموزش - یافته ارتباط پیدا نمی کند. چون اکثریت د یپلمه ها به ادارات، یا شرکت‌های ملی رومی آوردند. سایرین، مخصوصا متخصصین نفت به استخدام شعبه های شرکت‌های خارجی د رمی آیند که میزان حقوق شان بالاتر از موسسات ملی است. پزشکان جوان ترجیح

میدهند مراجعین خصوصی داشته باشند. برخی از آنان برای د رآمد بیشتر کشور را ترک می کنند و به کشورهای چون فرانسه، ایتالیا و جمهوری فدرال آلمان می روند. د یری نمی گذرد که کادرهای علمی ملی د رخارج تحصیل می کردند. امروز کوشش میشود که این کادرها د رداخل کشور تربیت شوند. اتحاد شوروی د رزمینه تربیت کادرها به الجزایر کمک مهمی کرده است. د وکشورد رزمینه ایجاد د وره سوم تربیت معلم برای انستیتوی نفت بومرد، قرارداد جدیدی امضاء کرد. بدلائیل زیاد، نسبت قابل ملاحظه‌ای از روشنفکران الجزایر د ردستگاه‌های اداری که هزینه های زیادی را می بلعند، متمرکزند. از ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۷ تعداد کارکنان د دستگاه اداری - به بی شوازد و برابر افزایش یافت یعنی از ۱۸۰۰۰۰ به ۳۹۰۰۰۰ رسید. اما سهم آنها د رجمعیت فعال بخش غیرکشاورزی از ۴۴٪ به ۲۸٪ کاهش یافت. به عقیده منابع الجزایری هیچ بخش تولیدی نتوانسته است تناسب معقولی بین متخصصین مختلف کمبود نسبی متخصصین د یپلمه د رقلمرو آموزش متوسطه وجود دارد. این وضعیت این خطر را د ربردارد که موجب بیکاری د میان فارغ التحصیلان آموزش عالی شود.

نسبت متخصصین مقیم خارج (مخصوصا مقیم فرانسه) با نسبت بالا است. این برای کشوری که نخستین گامها را د رراه رشد اقتصاد می برد، زیان سنگینی است. طبق یک فرمان مخصوص د انشجویانی که به خارج اعزام می شوند، موظفند پس از پایان تحصیل حداقل ۵ سال برای سازمانی که آنها را به خارج فرستاد ماند، کار کنند. فارغ التحصیلان د رارس عالی ملی نیز مشمول این فرمان اند.

د رحال حاضر الجزایر به د لایل عینی نمی تواند روی نیروهای ویژه اش د راین قلمرو حساب کند. اقتصاد د انان الجزایر - حساب کرده اند که کشور ۵ تا ۲۰ سال به کمک خارجی نیاز دارد. البته این کمک وضع مبهمی دارد. از یک سو، الجزایر برای گسترش روابط اقتصادی خارجی - اش به کمک کشورهای با خترین نیاز دارد و این به آنها کمک میکند که از این وضع برای نفوذ ایدئولوژیک خود د رنسل جوان کشور که راه رشد ترقی خواهانه د رگرونی های اجتماعی - اقتصادی را انتخاب کرده اند، بهره برداری کنند. از سوی دیگر، الجزایر امکان را دارد که از تجربه کشورهای سوسیالیستی به نفع اتحاد شوروی استفاده کند. انستیتوی بقیه د رصفحه ۲

اقتصادی کشور د رزمان حاضر، اضافه پول موجود د ربازار بتدریج خارج کرد و به دین ترتیب تعادل لازم را برقرار کند. لازم به یادآوری است که د راین ارتباط باید از سیاستهای مالی نیز کمک گرفت و با وصول عادلانه مالیاتهای مستقیم و افزایش نرخ مالیاتی د رآمدهای بزرگ، دست یابی به نتایج حاصل از اعمال سیاست های پولی را مطمئن ساخت.

۴- ایجاد شرکت‌های تعاونی و مبارزه قاطع و بیگریبا واسطه ها و محتکران. باید این گروه مزاحم را از سر راه تولید و مصرف برداشت و ارتباط منطقی بین تولید کنند و مصرف کنند را برقرار کرد. با ایجاد شرکت های تعاونی تولید و مصرف، برقراری چنین ارتباطی امکان پذیر است و مقامات مربوط باید هرچه زودتر با تشکیل شرکت‌های تعاونی از این نوع و بتعداد کافی، نقش این گروه را د رخرید و عرضه کالا منتفی نمایند و با محتکران نیز مبارزه جدی نمود و بدین ترتیب مانع احتکار کالا های مصرفی مردم گردند. از طریق توسل به این اقدامات، میتوان با تورم خطرناک موجود مقابله کرد و زندگی را برای مردم زحمتکش قابل تحمل نمود و از همه مهمتر، ضد انقلاب را د رعرصه اقتصادی ناکام کرد.

استقلال ایران و بدون هیچگونه شرط سیما کالا های مورد نیاز کشور را د راختیار ایران بگذارند. باید از این امکان استفاده کرد و با تحریم اقتصادی آمریکا و ستیاریانش مبارزه نمود. بدین طریق میتوان بتدریج کارخانه های تعطیل شده را بکار انداخت و سطح تولید را د رواحد هائی که از تمامی ظرفیت خود استفاده نمیکنند، افزایش داد. علاوه بر این برقراری نظم د رمحیط کار شرط د دیگری است که باید هرچه زودتر فراهم آید تا بتوان از کم کاری جلوگیری کرد. بدین ترتیب نه تنها عرضه کالا افزایش خواهد یافت و با برقراری تعادل بین عرضه و تقاضا، عامل اصلی گرانی از بین خواهد رفت، بلکه میلیونها نفر بیکار موجود را میتوان بتدریج بکار گرفت و امید ضد انقلاب را به این سپاه عظیم به یأس مبدل ساخت.

۲- تشویق مردم به پس انداز بیشتر و تبدیل کشور از یک جامعه مصرفی به کشوری که د رراه صنعتی شدن گام بر میدارد. بنگاری است که این هدف حاصل نخواهد گردید مگر با تلاش همه مردم و استفاده از پس اندازهای بزرگ و کوچک آنان بمنظور سرمایه گذاری د رواحد های تولیدی جدید و واحد های موجود بمنظور افزایش ظرفیت آنها.

۳- کاهش حجم پول د رگردش و ایجاد تعادل بین میزان اسکناسهای منتشره با نیازهای واقعی اقتصاد ایران. تردید نیست که یکی از دلایل اصلی تورم شدید موجود، افزایش غیرمتناسب اسکناس د رراه های اخیر است. بانک مرکزی وظیفه دارد با استفاده از ابزارهای پولی و اعمال یک سیاست صحیح و منطبق با اوضاع و احوال -

آنکه تفاوت بسیار قابل ملاحظه‌ای بین نرخ خریداری شده از تولید کنند و نرخ فروش به مصرف کنند و بوجود آمده و د راین میان واسطه ها و محتکران د رآمدهای سرشاری به ضرر تولید کنند و مصرف کنند، نصیب خود مینمایند. گرانی فعلی نه تنها زندگی را بر اکثریت مردم ایران سخت تنگ کرده، بلکه دست آورد های انقلاب مردم ایران را نیز د رمعرض مخاطره قرار داده است. زیرا ضد انقلاب عرصه اقتصادی را همیشه د رنظر داشته و خواهد داشت و از این امکان برای شکست انقلاب ایران استفاده میکند. نارضائی مردم را با بزرگ جلوه دادن نارضائی های اقتصادی افزایش میدهند و بانفوذ در صف متحد مردم، تلاش میکنند که وحدت مردم را از بین ببرند. بنابراین برد و ولت است که با توسل به اقدامات لازم به وضع اقتصادی کشور سروسامان داده و از سنگینی بار هزینه زندگی بکاهد و نتیجه این میدان را از اختیار ضد انقلاب خارج کند.

اقدامات زیر میتواند د رمبارزه با تورم و بهبود وضع اقتصادی کشور موثر واقع شود:

۱- شروع بکار مجدد د واحد های تولیدی تعطیل شده از طریق فراهم کردن مواد اولیه مورد نیاز آنها و برقراری نظم د رواحد های مزبور. برای مقابله با تحریم اقتصادی آمریکا و کشورهای گوش بفرمان آن، باید د رجستجوی کشورهای دیگری که بدون قید و شرط سیاسی حاضر میباید له کالا با ایران هستند بود و یا این کشورها صرف نظر از رژیم سیاسی آنها وارد مذاکره شد. کشورهای سوسیالیستی آماده هستند که با رعایت

بقیه: امر مبارزه با...

علل و موجبات افزایش سریع هزینه‌زند را میتوان بشرح زیر خلاصه کرد:

۱- تعطیل تعدادی از واحد های تولیدی و کاهش میزان تولید د ربعضی د کشور تا آنجا که، موافق آمارهای کم و بیش قابل قبول، کاهش تولید د ربخش صنعتی مملکت بیش از ۵۰ درصد میباشد که این خود ناشی از کافی نبودن مواد اولیه مورد نیاز و کم کاری است.

۲- افزایش حجم اسکناس بدون رعایت تناسب با میزان تولید و نیاز واقعی بازار. توضیح آنکه بموجب آمار بانک مرکزی ایران میزان اسکناسهای د رجریان که د رسال ۱۳۵۶ برابر با ۴۰۰ میلیارد ریال بود د ر سال ۱۳۵۷ بطور بی سابقه‌ای افزایش پیدا کرد و به مبلغ ۹۱۲ میلیارد ریال رسید و با اضافه د رسال ۱۳۵۸ نیز با زهم بر حجم آن اضافه گردید و د رپایان سال مزبور به ۱۰۲۵ میلیارد ریال بالغ گردید. ضمنا باید بدانیم که د رماه های اول سال جاری با زهم بر حجم اسکناسهای منتشره اضافه شده است.

۳- نقش واسطه ها و محتکران کالا - واسطه ها کالا های مصرفی (بخصوص کالا های کشاورزی) را به قیمت های نازل از تولید کنندگان خریداری میکنند و بقیمت گران برای فروش به مردم به خرده فروش ها عرضه مینمایند و د کاندانان هم پس از احتساب د رآمدهای قابل توجه برای خود، کالاهای مصرفی را به نرخی که همه شاهد آن هستیم د راختیار مشتریان خود قرار میدهند. نتیجه

پوزش!

د نیاله " فصلی از کتاب د اغستان من " د ر شماره آینده به چاپ میرسد.